

The Practice of International Criminal Courts in Approaching Cultural Heritage from a Human Rights Perspective

Bagher Beidaghi¹, Peyman Bolouri^{2*}, Malek Zolghader³

1. Ph.D. Student in International Law, Department of Law, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2. Assistant Prof, Department of Law, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

3. Assistant Prof, Department of International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Abstract

Since the International Criminal Court was established, Ahmad al-Faqi al-Mahdi was the first person prosecuted by the Court for crimes against cultural heritage. In his trial, the Court appears to have followed a practice influenced by human rights. Such human rights influence can also be observed in other international criminal courts, such as International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY). One can argue that the change in the notion of cultural heritage and the increasing salience of cultural heritage in international public opinion from a human rights perspective count among the factors affecting the international criminal courts. Against this backdrop, the present article draws on a descriptive and analytical methodology to explain the practices adopted by the international criminal courts from a human rights perspective. It answers how international criminal courts approach cultural heritage by suggesting that human rights influence the international criminal courts in their approach to cultural heritage. This research discusses the shift in the notion of cultural heritage, the practice of international criminal courts, and the international community's approach to shared cultural heritage.

Keywords: Cultural Heritage, International Criminal Courts, Shared Cultural Heritage, Human Rights, United Nations Security Council



Article Type:

Original Research


Pages: 147-185

Received: 2021 December 02

Revised: 2022 March 06

Accepted: 2022 May 15



 This is an open access article under the CC BY license.

*Corresponding Author: bolori@gmail.com

رویه‌ی محاکم بین‌المللی کیفری در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی از منظر حقوق بشر

باقر بیدقی^۱، پیمان بلوری^{۲*}، مالک ذوالقدر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۳. استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

بعد از تأسیس «دیوان بین‌المللی کیفری» شخصی بنام «احمد الفقی المهدی» برای اولین بار در طول تاریخ دادرسی‌های دیوان‌های بین‌المللی کیفری، به جرم جنایت جنگی علیه میراث فرهنگی در این مرجع مورد محاکمه قرار گرفت. به نظر، دادگاه در محاکمه‌ی وی از روندی پیروی کرده است که متأثر از حقوق بشر بوده است. این اثرپذیری از حقوق بشر در سایر دیوان‌های بین‌المللی کیفری مانند «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق» نیز قابل مشاهده است. می‌توان گفت، از عوامل تأثیرگذار بر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری تغییر در «مفهوم میراث فرهنگی» و اهمیت یافتن میراث فرهنگی در افکار جامعه بین‌المللی به لحاظ حقوق بشری بوده است. به همین منظور این مقاله سعی داشته است با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین رویه‌های اتخاذ شده در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری از منظر حقوق بشری بپردازد. در پاسخ به پرسش راجع به برقراری ارتباط دادگاه‌های بین‌المللی کیفری با میراث فرهنگی از منظر حقوق بشر، این نتیجه به دست می‌آید که دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی، از حقوق بشر تأثیر پذیرفته است. در این تحقیق تغییر در مفهوم میراث فرهنگی، رویه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری و رویکرد جامعه بین‌المللی در مورد میراث مشترک فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۴۷-۱۸۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵



واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، میراث مشترک فرهنگی، حقوق

بشر، شورای امنیت سازمان ملل متحد



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

میراث فرهنگی اساس ساخت هویت یک ملت است. قابلیت هایی که در میراث فرهنگی وجود دارد، موجب زنده ماندن حوزه های مختلف اجتماعی و جمعی است و نمی توان نقش آن را در هویت ملت ها نادیده انگاشت. میراث فرهنگی را می توان در اشیاء مختلف فرهنگی، ساختارهای معماری، بناهای تاریخی و در عبارت های کلامی، هنرهای نمایشی، سنت ها و آئین ها مشاهده کرد. این تفکر، حاصل یک ادبیات بین المللی نوظهوری است که میراث فرهنگی را به عنوان ابزاری برای ایجاد تعلق و انسجام در محور هویت مطرح می کند. می توان گفت، این تغییر دیدگاه بوجود آمده راجع به میراث فرهنگی، حاصل تغییر ایجاد شده در «مفهوم حقوق بشر» است. بدین طریق که صدور اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و بوجود آمدن نسل های مختلف حقوق بشر، باعث تغییر در مفهوم حقوق بشر شده است. در این تغییر دیدگاه به وجود آمده، حقوق بشر حوزه های مختلفی مانند: مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت پوشش خود قرار داده است. این حوزه ها شامل حق هایی می شود، که هر انسانی فارغ از رنگ، نژاد، مذهب و غیره استحقاق آن را دارد. حق های بشری شناسایی شده، باعث تغییر در «مفهوم میراث فرهنگی» نیز شده است. در این تغییر، مفهوم میراث فرهنگی دارای ویژگی هایی است که حوزه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و غیره را در بر می گیرد. بعنوان مثال ویژگی اقتصادی میراث فرهنگی که در نسل دوم حقوق بشر قرار دارد، وضعیت امرار و معاش مردم به لحاظ ورود گردشگر، و کسب درآمد از این طریق را تحت تأثیر قرار می دهد. حق آزادی انجام اعمال مذهبی و حاضر شدن در مکان های مقدس دینی، از جمله حقوقی هستند که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته و این حق ها در ویژگی های ملموس میراث فرهنگی قرار دارد. امروزه می توان تغییر در مفهوم میراث فرهنگی را در رویکرد جامعه بین المللی و عملکرد دیوان های کیفری بین المللی مشاهده کرد. «دیوان کیفری بین المللی»^۱ در خصوص پرونده ی «المهدی»، بزه دیدگان حاصل از تخریب میراث فرهنگی را مردم محلی منطقه ی «تیمبوکتو» و در سطح بزرگ آن مردم کشور مالی و جامعه بین المللی بر شمرده است. بزه دیدگان از حق هایی محروم شدند که شامل: از دست دادن مکان

1. International Criminal Court

عبادات مردم منطقه، ایجاد زیان‌های اقتصادی حاصل از تخریب میراث فرهنگی به سبب عدم ورود گردشگر و محروم کردن افراد بشریت از منتفع شدن میراث مشترک بشری است. این اثرپذیری حقوق بشری را می‌توان در واکنش‌های جامعه بین‌المللی به تخریب میراث فرهنگی کشورهایمانند: افغانستان، یوگسلاوی سابق، مالی، سوریه و عراق نیز مشاهده کرد. تغییر مفهوم میراث فرهنگی در حقوق بین‌الملل کیفری اثرگذاری خود را داشته است. به عنوان مثال شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ی ۲۳۴۷ سال ۲۰۱۷ تأکید کرده است، هدایت مستقیم حملات غیرقانونی به میراث فرهنگی ممکن است تحت شرایط خاص و بر اساس قوانین بین‌المللی جنایت جنگی محسوب گردد و عواملان چنین حملاتی باید مورد محاکمه قرار گیرند.^۱ در سایر قطعنامه‌های صادره سازمان ملل متحد و بیانیه‌های کشورهایمانند، علاوه بر اشاره به جنبه‌ی کیفری تخریب میراث فرهنگی، میراث را بعنوان میراث مشترک بشری معرفی و جنبه‌ی حقوق بشری آن را مورد اشاره قرار داده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی تنها محکمه‌ی بین‌المللی نیست که تخریب میراث فرهنگی در آن مورد دادرسی قرار گرفته است. بلکه دیوان‌های کیفری بین‌المللی دیگری مانند: «دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ»^۲، «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق»^۳ دارای سابقه‌ی رسیدگی به جرم تخریب میراث فرهنگی می‌باشند. بنابراین پرسش اصلی این مقاله این است که، آیا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی از حقوق بشر تأثیر پذیرفته است؟

در پاسخ به سؤال مذکور، فرضیه‌ی این نوشته بدین مضمون است: دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی از حقوق بشر تأثیر پذیرفته است. در مقام پاسخ به پرسش و فرضیه‌ی این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی ابتدا مفهوم تغییر یافته‌ی میراث فرهنگی و ویژگی‌های آن و سپس میراث مشترک فرهنگی بعنوان حقی بشری در رویه دادگاه‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان

1. UN Doc .S/RES ,2347 /Adopted by the Security Council at its7907 th meeting24 , March .2017 p.4 .

2. International Military Tribunal (IMT)

3. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia) ICTY.(

ملل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تغییر در مفهوم میراث فرهنگی و ارتباط آن با حقوق بشر

قبل از وارد شدن به بررسی و تحلیل عملکرد جامعه بین المللی و دیوان های کیفری بین المللی در خصوص میراث فرهنگی ضروری است که به تغییر در مفهوم میراث فرهنگی اشاره شود. همواره از گذشته بحث و اختلاف در تعریف میراث فرهنگی و انتخاب عبارت اموال فرهنگی یا میراث فرهنگی در اسناد بین المللی و حقوقدانان وجود داشته است (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی ۱۳۹۸:۱۱۳). اما در دهه های اخیر و به خصوص سازمان یونسکو تمایل خود را در استفاده از عبارت میراث فرهنگی به جای اموال فرهنگی ابراز داشته است. وقتی میراث فرهنگی به مفهوم کلی خود استفاده می شود، شامل میراث فرهنگی مشهود و نامشهود می گردد. و اگر بخواهیم خاستگاه تعاریف مختلف راجع میراث فرهنگی را ریشه یابی کنیم، منشاء تعاریف به غرب بر می گردد. چنانچه محقق بنام «مسکل»^۱ «مفهوم میراث جهانی» را واقعیتی می داند که از غرب ریشه گرفته است (Steiner & Frey, ۲۰۱۰:۷). در بررسی معنی میراث فرهنگی در کنوانسیون های بین المللی مانند «کنوانسیون فارو»^۲، میراث فرهنگی به عنوان مجموعه ای از منابعی که از گذشته به ارث برده شده تعریف شده است (Blake, ۲۰۱۶:۶۶). در کنوانسیون میراث فرهنگی معنوی ۲۰۰۳ میراث، سنت ها و اصطلاحات شفاهی از جمله زبان، هنرهای نمایشی، انجام مراسمات مذهبی را دربر می گیرد. همچنین در اعلامیه ی ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی^۳ میراث فرهنگی به معنای آثار ملموس و ناملموس تعریف شده است. (Jokilehto, ۲۰۱۲:۲۷) همانطور که در مقدمه بیان گردید، تغییر در مفهوم حقوق بشر باعث تغییر در مفهوم میراث فرهنگی شده است. و حوزه های مختلفی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر گرفته است. فارغ از تعاریف مختلف ارائه شده باید گفت میراث فرهنگی به عنوان یک منبع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد و جوامعی است که در آن زندگی می کنند و به توسعه ی

-
1. Meskell
 2. Faro Convention 2005
 3. the 1982 Mexico City Declaration

قابلیت‌های انسانی آنها کمک می‌کند. مفهوم میراث فرهنگی در بردارنده‌ی آثار فرهنگی ملموس و معنوی است، که جوامع برای آن‌ها ارزش قائل هستند و تشکیل دهنده‌ی هویت یک ملت است. بنابراین حفظ کاربرد میراث فرهنگی و تعامل با آن به‌عنوان منبعی که برای توسعه بشریت استفاده می‌شود، کاربرد دارد.

۱-۱. ویژگی‌های شکل گرفته از مفهوم میراث فرهنگی

همان‌گونه که بیان شد، میراث فرهنگی دارای ویژگی‌هایی است که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر دارد. تغییر در مفهوم حقوق بشر باعث شده است که این حوزه از حقوق، حمایت همه‌جانبه‌ای از میراث فرهنگی داشته باشد. هریک از ویژگی‌های میراث فرهنگی پوشش دهنده‌ی اجرای بخشی از حقوق بشر است.

در واقع تعدد منابع حقوق میراث فرهنگی (Titi, ۲۰۱۷:۴) و قرار گرفتن آن در حوزه‌ی حقوق بشر باعث حمایت و حفاظت از آن شده است. صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و به وجود آمدن نسل‌های مختلف حقوق بشر در توسعه‌ی این حقوق نقش مهمی بر عهده داشته است. از آنجایی که اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها حالت الزام آور ندارند، کشورها ملزم به اجرای آنها نیستند. اما با توجه به اینکه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر توسط اکثر کشورهای جهان مورد پذیرش قرار گرفته است، بسیار قابل احترام بوده و حتی بعضی از مواد آن حالت الزام آور و عرفی پیدا کرده است. به همین سبب قرارگیری میراث فرهنگی زیر چتر حمایتی حقوق بشر باعث پی بردن به ابعاد ویژگی‌های مختلف آن شده است.

۱-۱-۱. ویژگی ملموس

وجود میراث فرهنگی در هر مکانی بازگوکننده هویت مردمانی است که در آن زندگی کرده‌اند. این شیوه در باستان‌شناسی نیز کاربرد دارد. باستان‌شناسان با نوع اشیائی که کشف می‌کنند، نوع تمدن و قوم‌های مختلفی که در منطقه زندگی کرده‌اند را مشخص می‌کنند. همچنین، ویژگی‌های ملموس میراث فرهنگی که بر روی اشیاء وجود دارد، نشان دهنده‌ی روابط این آثار با محیط پیرامون خود می‌باشد. یکی از

متخصصان حفظ میراث فرهنگی بنام «کورین وگنر»^۱ بیان می کند «میراث فرهنگی بخش جدایی ناپذیر از هویت جامعه است» (Varner, ۲۰۱۴:۴) و همان گونه که در مطالب آغازین گفته شد میراث فرهنگی وسیله ای برای ساختن هویت است. اگر داشته های میراث فرهنگی یک ملتی نابود گردد به معنی تحقیر غرور ملی و یا مذهب آن ملت خواهد بود. اگر میراث مذهبی ملتی تخریب شود، سبب آزار و تألم روحی مردمان پیرو آن دین و حتی ممکن است باعث تهدید صلح بین المللی گردد. تخریب چند سال پیش حرم امام هادی(ع) و امام حسن عسگری(ع) به دست گروه افراطی «داعش» در شهر «سامرا» عراق، نمونه ای معاصر از رنجش مسلمانان شیعه در جهان به شمار می آید. این مکان ها به عنوان زیارتگاه های شیعیان محسوب می شود و داعش با این اقدام باعث تألم روحی شیعیان در کل جهان شد. عملی که توسط گروه های افراطی انجام شد مصداقی از نقض حق مشارکت مردم در مانع شدن از استفاده از میراث فرهنگی مذهبی برای بیان هویت فرهنگی بود. شایان ذکر است که با حمایت ستاد بازسازی عتبات عالیات ایران این حرم های امامان مورد بازسازی قرار گرفت. اما اگر گروهی در اقلیت جامعه باشد، دیگر امکان بازسازی میراث فرهنگی وجود نخواهد داشت و ارتباط نسل جدید با گذشته قطع خواهد شد. ویژگی ملموس میراث فرهنگی نقش باز تولید اجتماعی را ایفاء می کند. در بعد ملموس میراث فرهنگی یک ارتباط اثرگذار بین میراث و محیط زیست وجود دارد. بدین طریق که تغییرات زیست محیطی و عدم حفظ محیط زیست باعث تخریب میراث فرهنگی ملموس و حتی از بین رفتن میراث ناملموس خواهد شد. رابطه ای بین میراث فرهنگی و محیط زیست در کنوانسیون مبارزه با بیابان زایی سال ۱۹۹۴۲ مورد تأکید قرار گرفته است. (Boer, ۲۰۲۰:۲۰) تغییرات آب و هوایی خود به نوعی باعث آسیب به بافت فیزیکی بناهای تاریخی و فرهنگی خواهد شد. توسعه زیر ساخت های اقتصادی مانند راه، راه آهن و غیره بدون توجه به محیط زیست و حریم بناهای تاریخی و فرهنگی، خود به عنوان عاملی ویرانگر در تخریب

1. Corine Wegener

2. Convention to Combat Desertification in those Countries experiencing Serious Drought and/or Desertification, particularly in Africa(1994)

میراث فرهنگی به شمار می‌آید. بنابراین هر گونه توسعه‌ی ای باید با در نظر گرفتن بعد ملموس میراث فرهنگی صورت بگیرد.

۱-۱-۲. ویژگی اقتصادی

ویژگی اقتصادی میراث فرهنگی پوشش دهنده‌ی نسل دوم و سوم حقوق بشر است. حق توسعه‌ی میراث فرهنگی بعنوان منبع اقتصادی در این ویژگی مطرح است. در سنجش ارتباط بین میراث فرهنگی و اقتصاد، گردشگری مهمترین منبع به شمار می‌آید. صنعت گردشگری به عنوان یکی از صنعت‌های پرطرفدار در دنیا دارای ارزش اقتصادی برجسته‌ای است. حضور گردشگر برای بازدید از مناطق تاریخی و فرهنگی باعث ایجاد درآمد خواهد شد. میراث فرهنگی جزء مهمی از سرمایه اقتصادی و فرهنگی یک کشور محسوب می‌گردد. میراث فرهنگی با ویژگی‌های خود به اقتصاد کمک می‌کند و سهم مهمی در توسعه‌ی اقتصادی دارد.

بعنوان مثال سوریه قبل از جنگ سهم قابل توجهی از صنعت گردشگری دنیا را به خود اختصاص داده بود. این کشور موفق در زمینه‌ی گردشگری جزء کشورهای غنی (به لحاظ میراث فرهنگی) خاورمیانه محسوب می‌شد و دارای درآمد ۱۱.۵ میلیارد دلاری در سال ۱۹۹۵ بوده است (Doppelhofer, ۲۰۱۶:۴). مورد دیگری که بعد اقتصادی میراث فرهنگی را نمایان می‌سازد، تخریب میراث فرهنگی «تیمبوکتو» کشور مالی به دست «المهدی» است. طبق کارشناسی کارشناسان سازمان ملل متحد در حوزه‌ی فرهنگی، خسارت اقتصادی حاصل از عمل تخریب توسط «المهدی» فراوان ارزیابی شد، و افرادی مانند نگهبانان بقاع و اماکن، افراد فعال در زمینه‌ی گردشگری و سایر فعالان اقتصادی از عمل تخریب میراث فرهنگی دچار آسیب اقتصادی شدند (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی ۱۳۹۸:۱۲۸). امروزه کمتر کشوری در دنیا پیدا می‌شود که پی به اهمیت ویژگی اقتصادی میراث فرهنگی نبرده باشد. کشورهایی که در زمینه‌ی گردشگری فعالیت می‌کنند حتی با تاریخ نداشته‌ی خود اقدام به خرید و جمع‌آوری اشیاء فرهنگی از سراسر دنیا می‌کنند. این اقدام کشورها برای غنی کردن موزه‌های خود از آثار فرهنگی و به منظور جذب گردشگر انجام می‌پذیرد.

۱-۱-۳. ویژگی اجتماعی

میراث فرهنگی با عناوینی تشکیل یافته که نشان از استحکام آن بر مبنای هویت های اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی است. «هنری لوفور»^۱ جامعه شناس معروف فرانسوی استدلال نموده است، هر جامعه و شیوه‌ای یک فضای خاصی را ایجاد می‌کند که بخشی از میراث فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود (Jokilehto, ۲۰۱۲: ۲۲۷). ویژگی اجتماعی میراث فرهنگی باعث ایجاد هویت و وابستگی، سرمایه‌گذاری اجتماعی، برابری توسعه‌ی اجتماعی و افزایش بهره‌وری در زمینه‌ی اجتماعی می‌شود، میراث فرهنگی مرتبط با هویت گروهی است (Fincham, ۲۰۱۱: ۲۰۵). میراث فرهنگی در ایجاد و تقویت هویت های فردی و گروهی بعنوان سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی برعهده دارد. کنوانسیون یونسکو ۱۹۷۰ در خصوص قاچاق اموال فرهنگی در مقدمه بر این موضوع اشاره دارد که برای هر کشوری ضروری است، تعهدات اخلاقی و احترام در مورد میراث فرهنگی مردم خود را گسترش دهد. اهمیت این کار در غنی کردن فرهنگ زندگی مردم و اهمیت دادن به اموال فرهنگی برای برخورداری از حقوق مدنی و حتی هویت مردمی است (Blake, ۲۰۱۱: ۲۲۳-۲۲۴). ماده (۲) کنوانسیون میراث فرهنگی معنوی سال ۲۰۰۳، میراث معنوی را بخشی از حس هویت و پیوستگی جوامع معرفی می‌کند که در جوامع و گروه‌ها بطور مداوم و در پاسخ به محیط و تعامل با طبیعت و تاریخ آن‌ها تشکیل و مجدداً خلق می‌شوند. در واقع ویژگی اجتماعی میراث فرهنگی سهم مهمی در حفظ هویت جوامع دارد. داشتن سهم افراد از جامعه، مشارکت افراد و گروه‌ها در جوامع، ایجاد همبستگی و حصول اطمینان استفاده از میراث فرهنگی در رویدادهای اجتماعی و برنامه‌های آموزشی از معیارهای مهم اجتماعی میراث فرهنگی محسوب می‌شوند.

۱-۱-۴. ویژگی فرهنگی

هر کشوری با توجه به تاریخ خود دارای یک شخصیت معنوی است که شامل مجموع کارکردها و رخدادها و دستاوردهای فرهنگی یک قوم است. بی‌گمان این شخصیت شکل گرفته را می‌توان در میراث فرهنگی هر قوم و ملتی مشاهده کرد (کرمی

1. Henri Lefebvre

و شاکری (۱۳۹۹:۷۵). ویژگی فرهنگی میراث فرهنگی ارتباط با حقوق فرهنگی دارد. در مفهوم حقوق فرهنگی، ارتباط تنگاتنگی با معنی دریافتی از فرهنگ وجود دارد و با تعاریف ارائه شده از فرهنگ در ارتباط است. گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ برای روشن شدن موضوع حقوق فرهنگی بیان داشته است که تعریف رسمی از حقوق فرهنگی وجود ندارد، اما حقوق فرهنگی شامل حقوقی است که در زمینه‌ی فرهنگ وجود دارد و برشمردن هریک از آنها به دلیل گستردگی وسیع فرهنگ‌های انسانی کم و بیش غیرممکن به نظر می‌رسد (وکیل و قشلاقی نیگجه ۱۳۹۸:۱۲۴).

این فرض وجود دارد که فرهنگ دارای ارزش ذاتی جهانی است (Clark, ۲۰۱۸:۴۵) و دسترسی به فرهنگ که از آن به عنوان دسترسی به میراث فرهنگی درک می‌شود، از مواردی است که در تفسیر اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ قابل برداشت است (Kuzelewska & Tomaszuk, ۲۰۲۰:۲). در مواد (۱۳ و ۲) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق فردی بشر در حوزه‌ی فرهنگ برای شرکت و ملزم کردن دولت به حداکثر منابع موجود برای حفظ و ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته است. ماده (۱۵) این میثاق در حمایت از توسعه و نشر فرهنگ هر فرد ساکن در کشور، تعهد گسترده‌تری را نسبت به طرفین با توجه به میراث فرهنگی مختلف در داخل کشور پیشنهاد می‌کند، به موجب این ماده حق شرکت آزادانه هر فردی در زندگی فرهنگی جامعه به رسمیت شناخته شده و همه حق دارند در زندگی فرهنگی مشارکت کنند. هدف این مواد، تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد. در نتیجه هویت فردی و رشد شخصیت با میراث فرهنگی مرتبط است و حقوق فرهنگی و کرامت انسانی را به هم مرتبط می‌کنند.

۱-۱-۵. ویژگی سیاسی

در یکصد سال اخیر میراث فرهنگی بعنوان وسیله‌ای برای ملیت‌گرایی، پرورش هویت و پاکسازی گذشته‌ی ملت‌ها، مورد استفاده حکومت‌ها قرار گرفته است. تغییر حکومت‌ها و انقلاب‌ها بعنوان عاملی در تخریب میراث فرهنگی محسوب می‌شوند.

صاحبان حکومت همواره آثار حاکمان گذشته را به دلیل اینکه با نوع حکومت و ایدئولوژی آنان مخالف بوده، تخریب کرده اند. اقدام طالبان در تخریب مجسمه های سنگی بزرگ بودا در بامیان افغانستان در سال ۲۰۰۱، دلیل روشنی بر ویژگی سیاسی میراث فرهنگی است. طالبان بنا به دلایل ایدئولوژی مجسمه های بودا را تخریب کردند. مشابه همین قضیه با همین تفکر افراطی در سوریه و عراق روی داد، و باعث تخریب اموال فرهنگی بسیاری شد.

برداشت انتخابی اشیاء در مناطق تازه کشف شده در اسرائیل دلیل دیگری بر ویژگی سیاسی میراث فرهنگی است. زمانی که دولت اسرائیل مکانی را کشف می کند، صرفاً اشیائی را در عملیات حفاری بر می دارند که فقط مربوط به یهودیان باشد و عملیات حفاری را به گونه ای انجام می دهند که در حفاری های بعدی امکان بازیابی بافت مکان و دانش حاصل شده از مکان کشف شده امکان پذیر نباشد، کشف آثار باستانی دال بر اسکان یهودیان به عنوان تقویت سیاست های اسکان فعلی اسرائیل بکار می رود (حق سرشت و آرش پور، ۱۳۹۸: ۹۲۹). عدم تحمل گروه اکثریت مذهبی یا قومی در یک کشوری ممکن است، باعث جلوگیری از دسترسی آزاد به اماکن اقلیت مذهبی یا قومی گردد. عدم آزادی انجام مناسک مذهبی و ممنوع کردن استفاده از مکان های مذهبی برای انجام فرائض دینی از مواردی است که جنبه سیاسی میراث فرهنگی را برجسته می سازد. اما ضروری است میراث فرهنگی در احترام به دیدگاه های مختلف سیاسی و رعایت حقوق بشر، شامل همه ی افراد و گروه های اجتماعی گردد.

۱-۶. منتفع شدن از میراث فرهنگی بعنوان میراث مشترک

مفهوم حق برخورداری از میراث مشترک بشریت بر دسترسی عادلانه و برابر تصریح دارد. این حق در نسل سوم حقوق بشر قرار گرفته و به «حقوق همبستگی» هم موسوم است. این نسل از حقوق بشر فراتر از حقوق فردی قرار دارد و شامل مفاهیم جمعی مانند حق محیط زیست سالم، حق مشارکت در میراث فرهنگی، حقوق گروهی و جمعی و غیره را در بر می گیرد. ردپای ایده ی میراث مشترک بشریت در میراث فرهنگی را می توان در گذشته و نظرات پژوهشگرانی مانند «فرانچسکو

فرانسیونی^۱ مشاهده کرد. وی میراث فرهنگی را «بخشی از منافع مشترک بشریت» می‌داند (Clark, ۲۰۱۸: ۴۶). محقق دیگری بنام «لنزرینی»^۲ استدلال می‌کند یک اعتقاد کلی و یک عملکرد جهانی در مورد ممنوعیت تخریب عمدی میراث فرهنگی و درک ارزش ذاتی میراث فرهنگی وجود دارد که فراتر از قدرت فردی و دولتی و با توجه به نیاز جمعی برای حفاظت از میراث فرهنگی شکل گرفته است. وی مدیریت میراث فرهنگی را برخوایسته از صلاحیت داخلی دانسته که به سطح دغدغه‌ی مشترک بشر ارتقاء یافته است و در مفهوم تعهدات در برابر همه^۳ که منافع جامعه‌ی بین‌المللی را حفظ می‌کند، بنیان نهاده شده است (Fishman, ۲۰۱۰: ۳۶۷). در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مقدمه مقرر کرده است که آسیب رساندن به اموال فرهنگی متعلق به هر فرد به معنای آسیب رساندن به میراث فرهنگی بشر است و کل کنوانسیون ۱۹۷۲ بر این اصل استوار است (Blake, ۲۰۱۱: ۲۲۸). مفهوم و ایده‌ی شکل گرفته از میراث فرهنگی بعنوان «میراث فرهنگی بشریت»^۴ در کنوانسیون‌هایی دیگری مانند؛ کنوانسیون میراث معنوی ۲۰۰۳ و کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب ۲۰۰۱ بعنوان بخش جدایی ناپذیر از «بشریت» و یک عنصر مهم در تاریخ و روابط ملت‌ها با یکدیگر مورد اشاره قرار گرفته است (Vrdoljak, ۲۰۱۵: ۵). اشاره به بعد انسانی میراث فرهنگی در اسناد مختلف بین‌المللی گویایی این است که میراث فرهنگی دارای ارزش و انسانها به نوعی به آنها وابستگی دارند. در کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی ۲۰۰۵ ماده (۲) اصولی ذکر شده که یکی از آن اصول در بند هفت «اصل دسترسی عادلانه» است. این اصل اشاره می‌کند که دسترسی گسترده به بیان‌های فرهنگی گوناگون و اشاعه و بیان آنها در سراسر جهان، عامل مهمی برای افزایش تنوع فرهنگی و وسیله‌ای برای تشویق و تفاهم متقابل است. همچنین در بند دوم مقدمه، تنوع فرهنگی را میراث مشترک انسان‌ها معرفی می‌کند و احترام به آن را برای منافع عمومی لازم می‌داند. «در حقوق بین‌الملل معاصر بناهای تاریخی و فرهنگی ماهیتی فرا تاریخی، فرا جغرافیایی و فرا

-
1. Francesco Francioni
 2. Lenzerini
 3. erga omnes
 4. cultural heritage of humanity

ملیتی دارند و میراث مشترک بشریت هستند» (کرمی و شاکری ۱۳۹۹: ۷۷). ویژگی‌های که در میراث فرهنگی وجود دارد، می‌تواند در فراهم نمودن اجرای «حق توسعه» نسل سوم حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد. ویژگی‌هایی مانند: استفاده در توسعه اقتصادی، ایجاد زمینه برای فروش و تولید صنایع دستی، کمک به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، وسیله‌ای برای توسعه فرهنگی، وسیله‌ای برای تشکیل اجتماعات فرهنگی و غیره کاربرد داشته باشد. این حق مشترک ایجاد شده توسط بشریت، براساس منافع عمومی در حق بهره‌مندی از میراث ملموس یا ناملموس است و ممنوع یا محدود کردن آن به هر دلیلی منجر به نقض این حق می‌شود.

۲. میراث مشترک بشری در رویه‌ی سازمان ملل متحد

پس از بررسی ویژگی‌های تغییر یافته از مفهوم میراث فرهنگی لازم است برای بررسی رویه‌های قضایی در مورد میراث فرهنگی به رویه‌ی سازمان ملل متحد توجه شود. چون عملکرد آنها بی‌تأثیر بر حقوق بین‌المللی کیفری نبوده است. به همین منظور این بخش شامل بررسی واکنش ارکان سازمان ملل متحد در رابطه با تخریب میراث فرهنگی است.

۲-۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است. این ارگان به دلیل اینکه تمام کشورهای عضو در آن دارای نماینده هستند، تصمیمات آن از طریق صدور قطعنامه به لحاظ سیاسی دارای اهمیت است، اما قدرت اجرایی ندارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در رابطه با تخریب میراث فرهنگی کشورها قطعنامه‌هایی صادر کرده است که در ادامه تشریح می‌گردد.

بعد از تصمیم طالبان برای تخریب مجسمه‌های بزرگ بودا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد واکنش خود را با صدور قطعنامه‌ی شماره‌ی ۵۳/۱۶۵ و با عنوان «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» نشان داد.^۱ در این قطعنامه مجمع عمومی طرفین

1. UN Doc A/RES ,53/165/Resolution Adopted by the General Assembly 9,December .1998

درگیر را مسئول حفاظت از میراث مشترک دانست.^۱ این موضع مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجدداً در قطعنامه‌ی ۵۴/۱۸۵ سال ۱۹۹۹^۲ و قطعنامه‌ی ۵۵/۱۱۹ سال ۲۰۰۳ مجدداً تکرار شد. اما نکته‌ی مهم در قطعنامه‌ای است که در سال ۱۹۹۸ با شماره ۵۳/۲۰۳ A^۳ به تصویب مجمع عمومی رسید. در این قطعنامه مجمع عمومی آثار فرهنگی افغانستان را میراث مشترک بشری معرفی می‌کند و از طرف‌های درگیر به خصوص طالبان می‌خواهد که از تخریب آثار فرهنگی خودداری کنند.^۴ این موضع مجدداً در قطعنامه‌ی شماره ۵۵/۱۷۴ سال ۲۰۰۰ تکرار شد.^۵ بعد از چند بار تأکید مجمع عمومی بر رعایت حقوق بشر و حفاظت از میراث فرهنگی افغانستان، در سال ۲۰۰۱ قبل از نابودی مجسمه‌ها قطعنامه‌ی ۵۵/۲۴۳ با عنوان «تخریب آثار تاریخی در افغانستان» را صادر کرد.^۶ این قطعنامه با اشاره به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و احترام به میراث مشترک بشریت به تصویب رسید. در این قطعنامه از طالبان خواسته شده بود؛ نسبت به اقدام‌های عمدی خود در تخریب آثار فرهنگی متعلق به «میراث مشترک بشریت» بازنگری کنند، چون نقصان میراث فرهنگی بخصوص مجسمه‌های بودایی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای «بشریت» خواهد بود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر وقتی که میراث فرهنگی دو کشور سوریه و عراق در حملات دولت موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» مورد تخریب قرار گرفت، واکنش خود را با صدور قطعنامه نشان داد. داعش بناهای باستانی «دره

1. Ibid, para.16 .

2. UN Doc A/RES ,54/185/Resolution Adopted by the General Assembly 17,December ,1999p.16 .

3. UN Doc A/RES ,55/119/Resolution Adopted by the General Assembly 4,December ,2000p.19 .

4. UN Doc A/RES53/203/A ,Resolution Adopted by the General Assembly 18,December.1998

5. Ibid, para. 21.

6. UN Doc A/RES/55/174, Resolution Adopted by the General Assembly,19 December 2000.

7. UN Doc A/RES/55/243, Resolution Adopted by the General Assembly,9 Mar 2001.

تومبس^۱ را در اوت سال ۲۰۱۵ تخریب، سپس «معبد بعالشامین»^۲ را با دینامیت منفجر کرد. شش روز بعد «معبد بیل»^۳ یکی از مکان های اولیه «پالمیرا» و از مهمترین مکان های مذهبی و باستانی به ویرانه تبدیل شد، و سرانجام «طاق پیروزی روم باستان»^۴ را در اکتبر همان سال نابود کرد (al et Brammertz, ۲۰۱۶:۲). وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در واکنش به تخریب میراث فرهنگی توسط داعش، عمل آنها را نمایی مشابه از «بربریت» توصیف کرد و هدف این گروه را توهین به غرور مردم و قطع ارتباط نسل آینده عراق و سوریه با گذشته این ملت ها دانست (Vlasic & Turku, ۲۰۱۶:۶). مکان هایی که توسط داعش در عراق و سوریه تخریب شد بیش از شش هزار سال قدمت داشتند. هدف این گروه از تخریب میراث فرهنگی، رسیدن به اهداف مهم سیاسی_ نظامی برای قدرت، فتح اراضی، جهاد جهانی (Foradori & Rosa, ۲۰۱۷:۱۵۰) و عمل به اعتقادات مذهبی بوده است. مجمع عمومی به منظور رسیدگی به تخریب و سرقت اموال فرهنگی در عراق و سوریه در ۲۸ ماه می ۲۰۱۵ به اتفاق آراء قطعنامه‌ی شماره‌ی ۶۹/۲۸۱ را با عنوان «حفظ میراث فرهنگی عراق» به تصویب رساند.^۵ مجمع عمومی در این قطعنامه حمله به بناهای مختص دینی، آموزشی، هنر، علوم یا مقاصد خیریه و یا بناهای تاریخی را محکوم کرد.^۶ در قطعنامه تصریح شده بود حمله عمدی به ساختمان های اختصاصی دین، آموزش، هنر، علوم یا مقاصد خیریه یا بناهای تاریخی ممکن است به جنایات جنگی منجر شود و بر اهمیت مسئول دانستن مرتکب آن تأکید می کند.^۷ این قطعنامه در کل میراث هر کشوری را میراث مشترک بشریت معرفی می کند و از دست دادن میراث فرهنگی عراق را برای بشریت خسارت جبران ناپذیر اعلام می کند و از رهبران جامعه بین المللی می خواهد؛ تخریب میراث

1. Tombs
2. The Temple of Baalshamin
3. the Temple of Bel
4. Roman Triumphal Arch
5. UN Doc A/RES ,69/281/Resolution Adopted by the General Assembly 28,May.2015
6. Ibid, preamble.
7. Ibid ,p.6 .

فرهنگی بشریت را که هیچ توجیهی ندارد محکوم کنند.^۱ هدف این قطعنامه ایجاد یک سیاست گذاری قوی برای پیگرد احتمالی و قانونی مرتکبینی است که اموال فرهنگی را غارت و تخریب کرده اند. این قطعنامه در مقایسه با قطعنامه های قبلی مجمع عمومی که در رابطه با وضعیت تخریب میراث فرهنگی افغانستان صادر شد، یک تغییر موضع را نشان می دهد. مجمع عمومی در قطعنامه های سابق خود درخصوص افغانستان صرفاً از بابت حقوق بشری ورود کرده است و از طرفین درگیر می خواهد که احترام میراث فرهنگی را به خاطر میراث مشترک بشری داشته باشند. اما قطعنامه‌ی صادره در وضعیت سوریه و عراق علاوه بر تأکید بر میراث بشری، از باب حقوق کیفری نیز ورود کرده است. مجمع عمومی تخریب میراث فرهنگی سوریه و عراق را جنایت جنگی می داند. هرچند که این قطعنامه حالت الزام آور ندارد، ولی پیامی است برای محکومیت گسترده‌ی کسانی که میراث فرهنگی عراق و سوریه را تخریب کرده‌اند.

در واکنش های قبلی مجمع عمومی در خصوص افغانستان هیچ برداشت جزایی قابل دریافت نیست. اما نکته‌ی قابل تأمل در واکنش «کویچیرو ماتسورا»^۲ دبیر کل وقت یونسکو است، که تخریب مجسمه‌های بودائی در «بامیان» افغانستان را «جنایت علیه فرهنگ» خوانده است (Clark, ۲۰۱۸: ۶۴). این نوع دیدگاه در خصوص تخریب میراث فرهنگی توسط مدیر کل سابق یونسکو «یرینا بوکوا»^۳ مجدداً مطرح شده است. «بوکوا» در خصوص تخریب میراث فرهنگی مالی، عراق و سوریه با عبارت هایی مانند: «پاک‌سازی فرهنگی»^۴ و به ویژه «مبارزه با پاک‌سازی فرهنگی»^۵، «جنایت جنگی»^۶ و «جنایت علیه تمدن»^۷ و «تروریسم فرهنگی»^۸ مورد خطاب قرار داده است، و به صراحت نابودی میراث فرهنگی را «یک مسأله امنیتی»^۹ معرفی و یا حمله به

1. Ibid, p. 8.
2. Koichiro Matsuura
3. Irina Bokova
4. cultural cleansing
5. fight against cultural cleansing
6. war crime
7. crime against civilisation
8. cultural terrorism
9. a security issue

آثار فرهنگی را حمله علیه مفهوم نظم متمدن و علیه میراث مشترک بشریت می نامد (Giusti & Russo, ۲۰۱۷: ۶-۷). «بوکوا» علاوه بر ترویج مفهوم امنیتی میراث فرهنگی از میراث فرهنگی بعنوان میراث مشترک بشریت نام می برد. چنانچه وی مساجد و مقبره‌های «تیمبوکتو» را به عنوان «بخشی از میراث تقسیم ناپذیر بشریت»^۱ معرفی می کند (Vrdoljak, ۲۰۱۳: ۷). به نظر این گفتمان امنیتی به وجود آمده توسط «کویچیرو ماتسورا» در قطعنامه‌ی ۶۹/۲۸۱ بعد از چند سال نمایان شده است. درست است که قطعنامه‌های صادره و یا اظهارات دبیرکل یونسکو و یا وزیر خارجه آمریکا قابلیت اجرائی برای پیگیری متهمان ندارد. اما شکل گیری نگاه امنیتی باعث پیامی به تخریب کنندگان میراث فرهنگی خواهد بود که عمل آنها بی کیفر نخواهد ماند. نکته‌ی دیگر این قطعنامه‌ها اهمیت دادن به میراث فرهنگی از نظر میراث مشترک بشری است. این نشان می دهد که میراث فرهنگی دارای اهمیت جهانی شده است. همانطور که هوای پاک برای تنفس ضروری است، میراث فرهنگی هم برای حفظ تنوع فرهنگی، احترام به حقوق بشر و ارزش دادن به سایر ادیان دارای اهمیت و ارزش است. اگر بخواهیم عمل طالبان، داعش و سایر تخریب کنندگان میراث فرهنگی را از منظر حقوق بشری بسنجیم، عمل تخریب میراث فرهنگی باعث نقض میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم حقوق بشر شده است. چون عمل تخریب باعث تحت تأثیر قرار دادن وضعیت امرار و معاش مردم از طریق جذب گردشگر و جلوگیری از منتفع شدن جامعه بین المللی از میراث فرهنگی خواهد شد.

۲-۲. شورای امنیت سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل متحد بعنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی را مطابق منشور بر عهده دارد. تصمیمات این شورا مطابق ماده‌ی (۲۵) منشور سازمان ملل متحد برای تمامی اعضاء لازم الاتباع است. ورود شورای امنیت به موضوع تخریب میراث فرهنگی نقطه‌ی قابل اتکاء و اثر بخشی در جامعه بین المللی خواهد داشت. حتی به قول قضات دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق، قطعنامه‌هایی که به اتفاق آراء صادر گردیده اند اهمیت خاصی از

1. part of the indivisible heritage of humanity

حیث شکل دادن به «اعتقاد حقوقی بین‌المللی»^۱ به اصل مسئولیت کیفری عاملان و آمران نقض حقوق بشردوستانه عام بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی دارند (لسانی و نقی زاده ۱۳۹۸: ۹۹۴). بعضی از کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل‌های الحاقی آن‌ها یا کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی حالت عرفی پیدا کرده‌اند (کرمی ۱۳۹۸: ۱۶) و بدون دلیل ضرورت نظامی نمی‌توان اموال فرهنگی را مورد هدف قرار داد. شایان ذکر است بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به احترام به اموال فرهنگی و ممنوعیت آسیب به آن در زمره‌ی حقوق بین‌الملل عرفی قرار دارد و قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی است (لسانی و نقی زاده ۱۳۹۸: ۹۸۹). این کنوانسیون‌های بین‌المللی چون قابلیت عرفی پیدا کرده‌اند قابل اجرا بر گروه‌هایی مانند داعش و طالبان است که هیچ پایبندی به اصول و مقررات بین‌المللی ندارند. اما ورود شورای امنیت با وظیفه‌ای که بر عهده‌ی خود دارد، هشدار برای کسانی خواهد بود که در پی غارت و تخریب میراث فرهنگی هستند. چون شورای امنیت وفق ماده (۲۴) منشور قادر به ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی مطابق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است.

واکنش سال‌های اخیر ارکان مختلف سازمان متحد باعث مطرح کردن حفاظت از میراث فرهنگی بعنوان «موضوع امنیتی» شده است. با توجه به اینکه سوء استفاده‌کنندگان از میراث فرهنگی اغلب گروه‌های تروریستی بوده‌اند، شورای امنیت به این موضوع دقت کرده تا مانع تأمین هزینه این گروه‌ها از راه درآمد قاچاق اشیاء فرهنگی گردد. شورای امنیت در قطعنامه‌ی ۱۲۶۷ سال ۱۹۹۹ که در رابطه با میراث فرهنگی افغانستان صادر کرد، برای اولین بار میراث فرهنگی را با تروریسم مرتبط کرد و در خطاب به طالبان خواست اطمینان حاصل کند که قلمرو تحت کنترل آنها برای اردوگاه‌های تروریستی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.^۲ قطعنامه‌ی شماره‌ی ۲۳۴۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷ تحت عنوان «حفظ صلح و امنیت

1. Juris opinion

2. UN Doc. S/RES/ 1267, Adopted by the Security Council at its 4051st meeting, 15 October 1999.

بین المللی « با اشاره بر نقش سازمان یونسکو و راهبرد آن برای حفاظت از فرهنگ و ترویج کثرت گرایي فرهنگی در درگیری های مسلحانه، اهمیت حفظ صلح و امنیت بین المللی و محکوم نمودن هرگونه تروریسم صادر شده است.^۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در این قطعنامه دامنهی مسئولیت جهانی را برای حفاظت از میراث فرهنگی در آسیبها و تخریبهای ناشی از درگیری های مسلحانه و تروریسم، گسترش داده است (Jakubowski, ۱۸۵: ۲۰۱۹). در این قطعنامه هرگونه تخریب میراث فرهنگی و قاچاق آن برای تأمین اقدامات مالی تروریستی محکوم شده است.^۲ قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد تا همکاری بین‌المللی را با توجه به عدالت کیفری جهانی تقویت کنند و از قاچاق اموال فرهنگی با اختلال در شبکه‌های سازمان‌یافته جنایی و تروریستی جلوگیری کنند^۳ بر این اساس، کشورهای عضو سازمان ملل متحد تحت یک تعهد بین‌المللی اجباری برای همکاری در مبارزه علیه معافیت مرتکبان جنایات علیه میراث فرهنگی هستند. قطعنامه تصریح می‌کند که تخریب اموال فرهنگی مانع از صلح میان مردم و توسعه می‌شود و تنوع فرهنگی را از بین می‌برد. همچنین اقدام علیه میراث فرهنگی ممکن است جنایت جنگی تلقی شده و مرتکبین آن باید محاکمه شوند. قطعنامه‌ی صادره تجارت اموال فرهنگی بدست آمده از طریق غیرقانونی را ممنوع می‌کند و از کشورهای عضو می‌خواهد که قوانین مناسبی را برای جلوگیری از قاچاق اموال فرهنگی توسط اشخاص خصوصی وضع کنند و اشیاء فرهنگی قاچاق را به محل مبدا خود بازگردانند.

به همین منظور شورای اروپا ضمن محکوم نمودن تخریب عمدی میراث فرهنگی و باستان‌شناسی در سوریه و عراق و ایدئولوژی افراطی آن (Clark, ۳۷: ۲۰۱۸) کنوانسیون جرائم مربوط به اموال فرهنگی را تصویب کرد و در کنوانسیون به قطعنامه ۲۳۴۷ اشاره کرد. این کنوانسیون بر جرم انگاری تخریب عمدی میراث فرهنگی در زمان جنگ و صلح تأکید دارد و کشورها را ملزم به جرم انگاری تخریب

1. UN Doc. S/RES/ 2347, Adopted by the Security Council at its 7907th meeting, 24 March 2017.

2. Ibid, p. 9.

3. Ibid ,p.4 .

میراث فرهنگی می‌کند (Yates & Mackenzie, ۲۰۱۶: ۱۳). همچنین دادستان دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان یونسکو در راستای همکاری جهت اجرای قطعنامه ۲۳۴۷ توافقنامه‌ی همکاری امضاء کردند و در سطح اتحادیه اروپا یک سری قوانین جدید برای مقابله با قاچاق اموال فرهنگی پیشنهاد شد. قطعنامه ۲۳۴۷ در بیانیه‌ی کشورهای G۷ در ماه مارس ۲۰۱۷ مورد حمایت قرار گرفت (Yates & Mackenzie, ۲۰۱۶: ۱۷-۱۸). شایان ذکر است کشور آمریکا هم برای جلوگیری از قاچاق اموال فرهنگی به دلالت آثار فرهنگی هشدار داد که تجارت اموال فرهنگی قاچاق شده از عراق و سوریه یک جرم تحت عنوان «تأمین مالی اقدامات تروریستی» است و در صورت معامله مطابق بند ماده‌ی (۲۳۳۹) قانون ایالات متحده آمریکا تحت پیگرد قرار خواهند گرفت (Vlasic & Turku, ۲۰۱۶: ۵). از نکات مهم قطعنامه ۲۳۴۷ جلوگیری و مقابله با قاچاق غیرقانونی اموال فرهنگی و استرداد آن می‌باشد.^۱ همچنین بخش مهم دیگر این قطعنامه، چارچوب جهانی برای حفاظت از میراث فرهنگی مربوط به عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه تأکید می‌کند؛ مأموریت حفظ صلح سازمان ملل متحد، شامل حفاظت از میراث فرهنگی با همکاری یونسکو و داشتن دقت عمل در مجاورت آثار فرهنگی با احترام به حاکمیت دولت است.^۲

قطعنامه‌ی ۲۱۹۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ تحت عنوان «تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی بوسیله اقدامات تروریستی» و با اشاره به صلاحیت شورا مطابق منشور سازمان ملل متحد در حفظ امنیت و صلح بین‌المللی صادر شد.^۳ قطعنامه‌ی صادره نمایانگر گامی جدید در محکومیت تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه، به ویژه توسط دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و جبهه النصره بود. این قطعنامه تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی را هدف قرار داده بود. شورا به این واقعیت اشاره کرد که تروریسم در همه اشکال و جلوه‌های خود، یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و به وضوح ارتباط بین قاچاق اشیای فرهنگی و

1. Ibid, p.8,12.

2. Ibid, preamble.

3. UN Doc. S/RES/ 2199, Adopted by the Security Council at its 7379th meeting, 12 February 2015.

تأمین مالی تروریسم را تایید کرد.^۱ در قطعنامه‌ی صادره تخریب میراث فرهنگی عراق و سوریه محکوم و از کشورهای عضو می‌خواهد اقدام مناسبی در جلوگیری از تجارت آثاری که به طور غیرقانونی از عراق و سوریه خارج شده است انجام دهند و از سایر سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و اینترپل وغیره می‌خواهد که در بازگشت این اموال به سوریه و عراق کمک نمایند.^۲ بنابراین کشورهای عضو سازمان ملل مجبور به منع تجارت بین‌المللی در چنین مواردی و تسهیل بازگشت ایمن آن‌ها به مردم عراق و سوریه هستند. طراحی قطعنامه‌ی صادره به گونه‌ای است که مجموعه‌ای از ابزارهای ملی و منطقه‌ای را برای کنترل قاچاق بین مرزی اموال فرهنگی را فراهم می‌نماید.

شایان ذکر است قبل از قطعنامه‌های ذکر شده‌ی فوق، قاچاق اموال فرهنگی در قطعنامه‌ی ۱۴۸۳ سال ۲۰۰۳ و قطعنامه‌ی ۱۵۴۶ سال ۲۰۰۴ مورد توجه شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفته بود. این قطعنامه‌ها برای حمایت از میراث باستانی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی عراق صادر شده است و بعد امنیتی در آن مطرح نمی‌باشد. نتیجه‌گیری که می‌توان از قطعنامه ۱۴۸۳ گرفت، «عام الشمول» شدن کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه نسبت به میراث فرهنگی برای همه اعضای سازمان ملل متحد است (صلاحی ۱۳۹۸: ۱۷۴). طبق قطعنامه تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد ملزم به برداشتن گام‌های مناسب برای تسهیل بازگشت امن اموال فرهنگی خارج شده از عراق به نهادهای فرهنگی آن کشور شده‌اند و از سازمان یونسکو و پلیس اینترپل خواسته شده است؛ از تاریخ پذیرش قطعنامه‌ی ۶۶۱ (۱۹۹۰) در ۶ اوت ۱۹۹۰ زمین‌های بازگشت اموال تاریخی و فرهنگی خارج شده از عراق را فراهم کنند.^۵

کشور دیگری که میراث فرهنگی آن به دست گروه‌های افراطی تخریب شد،

1. Ibid, preamble.

2. Ibid ,p.7 .

3. UN Doc .S/RES ,1483 /Adopted by the Security Council at its4761 st meeting22 , May.2003

4. UN Doc .S/RES ,1546 /Adopted by the Security Council at its4987 th meeting8 , June.2004

5. UN Doc .S/RES ,1483 /Ibid ,p.7 .

کشور مالی بود. گروه‌های افراطی مانند گروه «طوارق»^۱ با همکاری گروه ویژه «انصار دین»^۲ در سال ۲۰۱۲ توانستند کنترل منطقه شمال مالی را در دست بگیرند (Green, martinez, ۲۰۱۵, ۱۰۷۹). این گروه بعد از تسلط بر مناطق شمالی مالی به عنوان عامل اصلی در تخریب اماکن مذهبی و بناهای تاریخی و فرهنگی از جمله «تیمبوکتو»^۳ به شمار می‌رفت (خسروی و سلطان قیس، ۱۳۹۶: ۱۷۹). رهبران انصار دین اعلام کرده بودند تمام مقبره‌ها، حتی مقبره‌های داخل مساجد را تخریب خواهند کرد (Green, martinez, ۲۰۱۵, ۱۰۹۴). گروه‌های افراطی سرانجام گفته‌های خود را عملی کردند و آثار بسیاری را که میراث جهانی به شمار می‌رفت، تخریب کردند. شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق رویه‌ی گذشته، قطعنامه‌هایی را درخصوص تخریب میراث فرهنگی صادر کرد. اولین قطعنامه به شماره‌ی ۲۰۵۶ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲ با عنوان «صلح و امنیت در آفریقا» در خصوص کشور مالی به تصویب رسید.^۴ شورای امنیت در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در منطقه، هتک حرمت و تخریب اماکن مقدس دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی به ویژه در شهر «تیمبوکتو» را به شدت محکوم کرد.^۵ قطعنامه‌ی صادره بطور انحصاری مکان‌های ثبت شده در میراث جهانی را در بر نمی‌گرفت و شامل تمام آثار می‌شد. در این قطعنامه به مسئولیت آور بودن حمله به بناهای تاریخی یا مذهبی به موجب پروتکل دوم الحاقی کنوانسیون ژنو ۱۹۹۹ و عضویت مالی در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی اشاره و از طرف‌های درگیر خواست که اقدامات لازم را برای اطمینان از حفاظت سایت‌های میراث جهانی مالی انجام دهند.^۶ قطعنامه‌ی دیگری که بعد از قطعنامه‌ی ۲۰۵۶ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسید، قطعنامه ۲۰۷۱ بود که در همان سال با عنوان «مرتبط با قطعنامه

1. Tuareg
2. Ansar Dine
3. Timbuktu
4. UN Doc .S/RES ,2056 /Adopted by the Security Council at its6798 th meeting5 , July.2012
5. Ibid, preamble.
6. Ibid, p.16.

ها» در خصوص کشور مالی تصویب شد.^۱ قطعنامه‌ی صادره ضمن تأکید بر قطعنامه‌های قبلی و ابراز نگرانی از نا امنی و وخامت اوضاع و نقض حقوق بشر توسط گروه‌های تروریستی، تخریب مکان‌های فرهنگی و مذهبی توسط گروه‌های شورشی و تروریست‌ها را محکوم کرد.^۲ قطعنامه‌ی دیگری به شماره‌ی ۲۰۸۵ در ۲۰ دسامبر سال ۲۰۱۲ با عنوان «وضعیت مالی» به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسید.^۳ در این قطعنامه ضمن تأکید بر قطعنامه‌های قبلی، نقض حقوق بشر توسط گروه‌های شورشی و تخریب اماکن فرهنگی و تاریخی به شدت محکوم شده است.^۴ مجدداً شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ی ۲۱۰۰ را در سال ۲۰۱۳ با عنوان «مالی» تصویب کرد،^۵ در قطعنامه بار دیگر تخریب اموال فرهنگی و تاریخی توسط هر فرد یا گروه را به شدت محکوم و از صلح بانان سازمان ملل متحد موسوم به «مینوسما»^۶ که طبق فصل هفتم منشور تشکیل شده بود، خواسته شد؛ برای حفاظت از اموال فرهنگی و برای کمک به حکومت انتقالی مالی با همکاری یونسکو اقدام کنند و در مجاورت اماکن تاریخی و فرهنگی با دقت عمل نمایند.^۷ در واقع شورای امنیت با این قطعنامه حمایت صریح خود را از حفاظت از میراث فرهنگی نشان داد. قطعنامه‌ی دیگری با شماره‌ی ۲۱۶۴ و با عنوان «مالی» در سال ۲۰۱۴ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسید.^۸ در این قطعنامه ضمن یادآوری قطعنامه‌های قبلی، مجدداً از صلح بانان سازمان ملل متحد خواسته شده بود؛ به مقامات مالی برای حمایت و حفظ اماکن فرهنگی و تاریخی با

1. UN Doc. S/RES/ 2071, Adopted by the Security Council at its 6846th meeting, 12 October 2012.

2. Ibid, preamble.

3. UN Doc. S/RES/ 2085, Adopted by the Security Council at its 6898th meeting, 20 December 2012.

4. Ibid ,preamble.

5. UN Doc. S/RES/ 2100, Adopted by the Security Council at its 6952nd meeting, 25 April 2013.

6. MINUSMA

7. Ibid ,preamble,p16,32.

8. UN Doc. S/RES/ 2164 Adopted by the Security Council at its 7210th meeting, 25 June 2014.

همکاری یونسکو کمک کنند، همچنین از گروه صلح بانان خواسته شد؛ در انجام وظایف خود در مجاورت اماکن فرهنگی و تاریخی با دقت عمل کنند.^۱ مجدداً در سال ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ی ۲۲۲۷ از گروه صلح بانان می‌خواهد در صورت درخواست کمک توسط مقامات مالی برای حمایت و حفظ اماکن فرهنگی، با همکاری یونسکو به آنها کمک کنند.^۲

رویکردی که شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به تخریب میراث فرهنگی از خود نشان داده است، اهمیت دادن به جنبه‌های حقوق بشری و امنیتی کردن میراث فرهنگی است. شورای امنیت در موضوع میراث فرهنگی عراق و سوریه بیشتر نگرانی خود را کسب درآمد گروه‌های تروریستی بیان کرده است و کشورها را ملزم به ایجاد راهکاری برای جلوگیری از قاچاق میراث فرهنگی می‌کند. و یا در قطعنامه‌ی ۲۱۳۹ سال ۲۰۱۴ که برای تأکید بر کمک‌رسانی بشردوستانه و پایان دادن به درگیری طرفین در سوریه صادر شده بود، از همه طرفین درگیر مناقشه سوریه می‌خواهد تکه‌های بهم پیوسته اجتماعی و میراث فرهنگی غنی سوریه را حفظ کنند و گام‌های مهمی برای تضمین حفاظت از میراث جهانی سوریه بردارند.^۳ اما در موضوع مالی با تأکید بیشتری نشان داد که میراث فرهنگی برای بشریت مهم است و حتی از صلح بانان سازمان ملل متحد می‌خواهد که در مجاورت اماکن تاریخی و فرهنگی با دقت اقدام کنند. به نظر شورای امنیت در هر قطعنامه‌ای که صادر کرده است ضمن نگاه امنیتی به موضوع، به لحاظ حقوق بشری و میراث مشترک بشری به میراث فرهنگی توجه داشته است.

۳. رویه‌ی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در تخریب میراث فرهنگی

هدف اصلی از تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، رسیدگی به جرائمی است که ذاتاً دارای ماهیت داخلی نیستند و دارای ماهیت جهانی هستند و در حقوق بین

1. p14,19.

2. UN Doc .S/RES 2227 /Adopted by the Security Council at its7474 th meeting ,on 29June,2015 p14.

3. UN Doc .S/RES 2139 /Adopted by the Security Council at its7116 th meeting ,on 22February ,2014 preamble.

الملل جرائمی که ماهیتی جهانی دارند به عنوان نقض های شدید حقوق بشردوستانه به رسمیت شناخته شده اند (کرمی ۱۳۹۸: ۱۳). «دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ»^۱ پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم برای رسیدگی به جرایم رهبران آلمان نازی به علت سبب شدن به قتل عام میلیون ها انسان، توسط قوای غالب جنگ تشکیل شد. طبق منشور نورنبرگ، جنایات جنگی در صلاحیت دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ قرار گرفت و نقض مقرارت مربوط به نحوه‌ی برخورد با اموال فرهنگی جنایت جنگی تلقی شد (عسکری و مسعودی کوشک ۱۳۹۷: ۱۶۶). دادگاه نورنبرگ در محاکمه‌ی «آلفرد روزنبرگ»^۲ دریافت که وی مسئول غارت یک سیستم سازمان یافته بوده است و اموال عمومی و خصوصی شامل کتابخانه ها و موزه ها، گنجینه ها و مجموعه های هنری شخصی را مصادره و غارت کرده است. دادگاه وی را مطابق بند ب ماده ۶ اساسنامه محاکمه کرد (Hostettler, ۲۰۱۹: ۴). دادگاه نظامی نورنبرگ عقیده داشت که غارت و تخریب اموال فرهنگی در سرزمین‌های اشغالی جنایت علیه بشریت است (Vlasi & Turku, ۲۰۱۶: ۱۶). در واقع می توان گفت روزنبرگ اولین شخصی بود که به جرم تخریب میراث فرهنگی دادگاهی شد.

بعد از دادگاه نورنبرگ مهمترین دادگاه بین‌المللی که برای رسیدگی به تخریب عمدی میراث فرهنگی و سایر جرائم تشکیل شد، «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق»^۳ است. شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جنایاتی که در جنگ داخلی یوگسلاوی سابق رخ داد، دستور تشکیل دادگاه بین‌المللی را صادر کرد که صلاحیت رسیدگی به جرائم نقض حقوق بشردوستانه را داشت. اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق پس از تصویب قطعنامه‌ی ۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در ۲۵ مه ۱۹۹۳ تصویب شد.^۴ این دادگاه به عنوان رکن فرعی شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به جرائم نقض قوانین یا رسوم جنگ، کشتار دسته جمعی و جنایات علیه بشریت را داشت. از نکات مهم این اساسنامه تعقیب افرادی است

1. International Military Tribunal) IMT(

2. Alfred Rosenberg

3. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia) ICTY(

4. UN Doc. S/RES/ 827 Adopted by the Security Council at its 3217th meeting, 25 may 1993.

که به موجب ماده (۳) اساسنامه مرتکب جرم تخریب «اموال» دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی شده‌اند. شورای امنیت در قطعنامه‌ی ۸۲۷ مقرر کرده بود نه تنها طرفین بلکه همه‌ی دولت‌ها باید با دیوان و ارکان آن مطابق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قطعنامه‌ی حاضر همکاری کنند (موسوی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۵۴). دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، جدای از تصمیمات خویش، به تصمیمات اتخاذی از سوی دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ نیز استناد کرده بود (کرمی ۱۳۹۸: ۱۸).

دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق افرادی که میراث فرهنگی را تخریب کرده بودند را به عنوان مجرم «عمل آزار و اذیت و جنایت علیه بشریت» متهم کرد. در دادرسی‌های مختلفی که در این دادگاه بین‌المللی برگزار شد، تأیید کرده‌اند که عمل تخریب میراث فرهنگی اگر با قصد تبعیض باشد می‌تواند منجر به جنایت علیه بشریت گردد. دادگاه در محاکمه «کوردیک و سرکیز»^۱ حمله تبعیض آمیز به اشیاء و اموالی را که برای مردم دارای ارزش مذهبی بود را عمل آزار و اذیت انگاشت، و دادگاه گفته است که جرم تخریب اموال فرهنگی می‌تواند معادل جرم جنایت علیه بشر باشد، دادگاه همچنین ابراز داشته است همه‌ی بشریت از تخریب یک فرهنگ مذهبی منحصر به فرد با اشیاء متعلق به آن آسیب دیده است.^۲ دادگاه در این پرونده به دنبال آن بود که نشان دهد هویت افراد در تخریب میراث فرهنگی آسیب دیده و کل بشریت هم به دلیل نقصان بوجود آمده در فرهنگ یک گروه متضرر شده است. دادگاه در پرونده «جوکیچ»^۳ نیز با اشاره به مقدمه «کنوانسیون میراث جهانی» تخریب میراث فرهنگی را به منزله‌ی فقر زیان بار برای همه‌ی ملت‌های جهان می‌داند.^۴ در پرونده‌ی «کرجیسنیک»^۵ دادگاه متوجه شد که تخریب اموال فرهنگی تأثیر شدیدی

1. Kordić & Čerkez

2. ICTY, Prosecutor v. Kordić & Čerkez, Case No. IT-95-14/2-T, Trial Chamber Judgment 26, February, 2001 para.207.

3. Jokić

4. ICTY, Prosecutor v. Jokić, Case No. IT-01-42/1-S, Trial Chamber i Judgment, 18 March 2004, para. 49.

5. Krajišnik

بر قربانی دارد و عمل انجام شده از عناصر تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت است.^۱ دادگاه محاکمه‌ی «بلاسکیچ»^۲ بر اساس سابقه‌ی رسیدگی در دادگاه نونبرگ عنوان کرد، جنایت آزار و اذیت همانطور که در ماده‌ی ۵ (ه) اساسنامه تعریف شده‌است، نه تنها شامل آسیب بدنی و ذهنی و تجاوز به آزادی فردی می‌شود، بلکه شامل اعمالی نیز می‌شود که کمتر جدی به نظر می‌رسند، مانند اموالی که افراد جامعه به طور خاصی احساس تعلق به آن دارند و مورد هدف قرار می‌گیرد (Vlasi & Turku, ۱۶:۱۶, ۲۰۱۶). دادگاه در پرونده‌ی متهم دیگری بنام «مارتینوویچ»^۳ به این نتیجه رسید که مردم در اثر تخریب اماکن مذهبی و بناهای فرهنگی دچار اذیت و آزار شده‌اند.^۴ دادگاه در پرونده‌های دیگری نظر به جنایت جنگی بودن تخریب میراث فرهنگی دارد. چنانچه دادگاه در پرونده‌ی «ستروگر» به اتهام جنایت جنگی «تخریب و آسیب عمدی به مؤسسات اختصاص داده شده به مذهب، امور خیریه و آموزش و پرورش، هنر و علوم، بناهای تاریخی و آثار هنری و علمی» مورد محاکمه قرار گرفت. طبق نظر دادگاه ارتکاب چنین اعمالی جنایت جنگی است. این دیدگاه در دادگاه تجدید نظر «هادزی حسنویچ و کوبورا» مورد تأیید قرار گرفت (عسکری و مسعودی کوشک ۱۳۹۷:۱۶۷-۱۶۶). عملکرد دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نشان می‌دهد تخریب میراث فرهنگی نوعی شکنجه از طریق آزار و تألم روحی است که قربانیان از آن رنج برده‌اند و جرم آنها معادل جرم جنایت علیه بشریت است. بنابراین رویه‌ای که از دادگاه یوگسلاوی سابق در تخریب عمدی میراث فرهنگی قابل برداشت است، ارتباط تخریب میراث فرهنگی و بعد انسانی است که با پیوند آن به حقوق بشر نقض شده‌است. هدف تخریب‌کنندگان در این جنگ نه تنها حذف فیزیکی آثار، بلکه پاک کردن قومیت‌ها از گذشته خود را نشان می‌دهد.

دیوان کیفری بین‌المللی برای اولین بار در تاریخ دادرسی‌های دیوان‌های

1. ICTY, Prosecutor v. Krajišnik, Case No. IT-00-39-T, Trial Chamber Judgment 27, September, 2006 para. 711.

2. Blaškić

3. Martinović

4. ICTY, Prosecutor v. Martinović, Case No. IT-05-87-T, Trial Chamber Judgment 26, February, 2009 para. 205.

کیفری بین‌المللی، «المهدی» را به اتهام جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی محکوم کرد. وی در این پرونده به جرم تخریب میراث فرهنگی به تحمل نه سال زندان محکوم شد.^۱ دادگاه کیفری بین‌المللی «المهدی» نشان داد که قانون کیفری بین‌المللی نقش مهمی در حفاظت از اموال فرهنگی با توجه به نقش این اموال در حفظ ریشه‌های تاریخی و تنوع فرهنگی دارد (Hopkins & Esterling, ۲۰۱۸: ۸). محاکمه «المهدی» و محکومیت او به عنوان تجلی تلاش‌های جهانی برای کشاندن مرتکبین جنایات میراث فرهنگی به عدالت است. در واقع میراث فرهنگی و غارت آن در درگیری‌های مسلحانه نقض معاهدات و هنجارهای قوانین عرف بین‌المللی است (Wierczyńska & Jakubowski, ۲۰۱۷: ۵). المهدی علاوه بر محکومیت تحمل کیفر، در سال ۲۰۱۷ محکوم به پرداخت جبران خسارت به میزان ۲,۷ میلیون یورو در حق افراد، جامعه محلی «تیمبوکتو» و جامعه بین‌المللی گردید.^۲ سابقه‌ی جبران خسارت بزه دیدگان حاصل از تخریب میراث فرهنگی در سایر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مانند منشور نورنبرگ و دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی مورد اشاره قرار نگرفته است، اما دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه به خوبی حق جبران خسارت بزه دیدگان را به رسمیت شناخته است (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی ۱۳۹۸: ۱۹ و ۱۱۷). دادگاه در محکوم کردن متهم به پرداخت خسارت، پیوند انسانی با جرائم مرتکب شده را پذیرفته و گام‌های مهمی را در تأثیر پذیری از حقوق بشر برداشته است. دادگاه در دستور پرداخت جبران خسارت به قربانیان دادگاه المهدی موضوع‌های بشری را جزء اتهامات اساسی وی ذکر کرده و میراث فرهنگی تخریب شده را دارای اهمیت ویژه بین‌المللی مورد اشاره قرار داده است. همچنین دادگاه پیوند میراث فرهنگی تخریب شده با انسان‌ها و بعد انسانی را نیز مورد توجه قرار داده است.^۳

دادگاه در محاکمه المهدی بعد از اظهارات قربانیان به این نتیجه رسید که مردم تیمبوکتو به دلیل درد و رنجی که از تخریب اموال فرهنگی دیده‌اند، دچار از

1. ICC, The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, No. 01/12-01/15, Trial Chamber VIII, 27 September 2016, para. 106.

2. ICC, the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Reparations Order), No 01/12-01/15-236, Trial Chamber VIII, 17 August 2017, para. 17.

3. Ibid, Para,17.

هم گسیختگی فرهنگی و احساس تحقیر از طریق ظلمی که باعث از بین رفتن ایمان و اعتقاداتشان شده است، گردیده اند.^۱ دادگاه آسیب اخلاقی وارده به مردم محلی را به بزرگی آسیب اقتصادی برشمرد.^۲ دادگاه محاکمه‌ی المهدی ارتباط بین جامعه محلی «تیمبوکتو» و سایت های میراث فرهنگی را مورد اشاره قرار داد و در گزارش خود سایت ها را تشکیل دهنده‌ی میراث مشترک برای تشکیل جامعه معرفی و آنها را بخش جدایی ناپذیر از زندگی ساکنان مردم محلی توصیف کرد. دادگاه در حکم خود به اظهارت یک شاهد اشاره کرد که تیمبوکتو در قلب میراث فرهنگی مالی قرار دارد و اینکه مقبره ها برای مردم تیمبوکتو دارای ارزش بسیار مهم روانی و محافظت کننده شناخته می شوند(Casaly, ۲۰۱۶: ۱۵). نکته قابل توجه در رأی محکومیت المهدی افرادی هستند که به سبب جرم تخریب تحت تأثیر قرار گرفته اند.

دادگاه علاوه بر استدلال نسبی گرایانه در مورد اهمیت میراث فرهنگی برای مردم محلی، به دیدگاه جهانی این آثار نیز اشاره کرد و گفت ۹ ساختمان مورد هدف واقع شده، دارای ثبت جهانی یونسکو بودند و با بیان وظیفه یونسکو در گسترش فرهنگ و آموزش بشریت برای عدالت و آزادی و صلح، اقدامات المهدی را توهین به این ارزش ها دانست(Casaly, ۲۰۱۶: ۱۶). دادگاه با اشاره به نقش میراث فرهنگی در زندگی مردم تیمبوکتو تخریب میراث فرهنگی را توهین به ارزش های انسانی و وابستگی مردم به آثار را با بعد انسانی غیر قابل تفکیک دانسته است.^۳ روندی که در دادگاه های بین المللی کیفری قابل مشاهده است، تحت تأثیر قرار گرفتن از حقوق بشر دارد. دادگاه یوگسلاوی سابق در دادرسی های برگزار شده به آزار و تألم روحی مردمان در از دست دادن میراث فرهنگی اشاره می کند و نگاه میراث مشترک بشری به میراث دارد. روندی که به ویژه بعد از دادگاه یوگسلاوی سابق و در محاکمه‌ی المهدی در حق بزه دیدگان طی شد از نظر حقوق بشری قابل توجه است. بزه دیدگان در پرونده المهدی از اصل برخوردار عادلانه و منصفانه در دسترسی به اطلاعات حاصل از فرایند جبران خسارت داشتند و همچنین حضور موثر و فعال بزه دیدگان و مشارکت آنان فارغ از هر گونه

1. Ibid , Para, 84-85.

2. Ibid , Para, 129-130.

3. Ibid ,Para.17,

تبعیض بر مبنای نژاد، جنسیت، رنگ پوست، سن، زبان، مذهب عقاید سیاسی یا سایر عقاید، ثروت، محل تولد یا سایر موارد مورد تضمین و تأکید قرار گرفته است (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی ۱۳۹۸: ۱۲۱).



برآمد

میراث فرهنگی ملموس و ناملموس ملت‌ها که بصورت نسل به نسل از گذشته به آنها ارث رسیده است، نشان دهنده‌ی هویت مردمان یک محل و در سطح وسیع آن هویت مردمان یک شهر محسوب می‌شود. گفتمانی که در دهه‌های اخیر بوجود آمده؛ نگاه حقوق بشری به میراث فرهنگی است. ویژگی‌های مختلف میراث فرهنگی و تأثیر آن بر حقوق بشر، ضرورت حفظ این آثار را آشکار می‌سازد. ویژگی‌هایی که در میراث فرهنگی وجود دارد، باعث ایجاد رابطه با حقوق بشر شده است. رابطه‌ای که می‌توان بین میراث فرهنگی و حقوق بشر متصور شد؛ بصورت لازم و ملزوم یگدیگر است، اگر میراث فرهنگی تخریب شود باعث نقض حقوق بشر می‌شود و برای اجرای حقوق بشر نیاز به وجود میراث فرهنگی است. میراث فرهنگی با ویژگی‌هایی که دارد؛ سبب حمایت حقوق بشر از خود می‌شود. بنابراین دیدگاه جامعه جهانی و حتی محلی، محافظت از میراث فرهنگی است. در گفتمان ملی و بین‌المللی شکل گرفته حق بر میراث فرهنگی بعنوان حق بشری معرفی می‌شود. بنابراین تخریب و حذف میراث فرهنگی باعث آسیب به یکپارچگی آن و به منزله‌ی آسیب به میراث مشترک بشریت است. در صد سال گذشته اقدام‌های مهمی برای حفاظت از میراث فرهنگی انجام شده است. تدوین کنوانسیون‌ها و صدور قطعنامه‌های متعدد برای حمایت از میراث فرهنگی بعنوان بخشی از عملکرد جامعه‌ی بین‌المللی برای حفاظت از آن بوده است. اما آن چیزی که مهم به نظر می‌رسد؛ ورود جامعه‌ی بین‌المللی از جنبه‌ی میراث مشترک بشریت است. به نظر، دخالت در امور سایر دولت‌ها از این جنبه، می‌تواند بعنوان یک قاعده حقوقی در حقوق بین‌الملل عمومی مورد استفاده قرار گیرد و بعنوان یک اصل حقوقی در نظر گرفته شود. در سال‌های اخیر دخالت دولت‌ها، عملکرد سازمان ملل متحد در محکومیت تخریب میراث فرهنگی و تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نشان از اهمیت یافتن میراث فرهنگی برای جامعه‌ی بین‌المللی از منظر حقوق بشر و بعنوان میراث مشترک بشریت است. رویه‌های دیوان‌های بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های خود از حقوق بشر تأثیر پذیرفته‌اند. در پرونده‌های تشکیل یافته‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تخریب میراث فرهنگی مردم، نقض حقوق بشر و نقصان آن فقری برای میراث فرهنگی جهان تلقی شده است. دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه

المهدی، طریقی را برای آینده ترسیم نمود که میراث فرهنگی متعلق به تمام بشریت است و تخریب میراث باعث آزار روحی ساکنان آن منطقه خواهد شد. این تأثیر پذیری نه تنها در رویه دادگاه‌های کیفری بوجود آمده است بلکه در قطعنامه‌های صادره‌ی سازمان ملل متحد حفظ میراث فرهنگی بعنوان میراث مشترک بشریت و جنبه‌ی کیفری تخریب آن، مورد تأکید قرار گرفته است. این قطعنامه‌ها حتی تأثیر گذاری خود را بر حقوق داخلی کشورها از بابت ممنوعیت معامله با قاچاقچیان اموال فرهنگی داشته است. آن چیزی که از رویه‌ی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و جامعه بین‌المللی قابل برداشت است؛ اهمیت میراث فرهنگی بعنوان میراث مشترک بشریت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف. فارسی

حق سرشت، میثم و آرش پور، علیرضا (۱۳۹۸)، «فلسطین، یونسکو و صیانت از میراث فرهنگی در برابر نابودی از منظر حقوق بین‌الملل»، فصل‌نامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، صص ۹۴۰-۹۱۹.

خسروی، حسن و سلطان قیس، فرید (۱۳۹۶)، «حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل با نگاهی بر اقدام دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه کشور مالی»، فصل‌نامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۳، صص ۱۶۵-۱۹۰.

سیدزاده ثانی، سید مهدی و فرهادی آلاشتی (۱۳۹۸)، «جبران خسارت تخریب میراث فرهنگی در دیوان کیفری بین‌المللی با نگاهی به پرونده‌ی المهدی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۲.

صلاحی، سهراب (۱۳۹۶)، «تخریب و غارت میراث فرهنگی در دوران تهاجم و اشغال عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره سوم، صص ۱۵۷-۱۸۹.

عسکری، پوریا و مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۷)، «تخریب میراث فرهنگی سوریه توسط داعش و راهکاری مقابله با آن در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، صص ۱۵۳-۱۸۴.

کرمی، موسی (۱۳۹۸)، «کاوشی در بکارگیری و تبیین حقوق بین‌الملل عرفی در رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا»، فصل‌نامه علمی تخصصی پژوهشنامه حقوق فارس، شماره ۳- صص ۳۲-۹.

کرمی، موسی و شاکری، یاسر (۱۳۹۹)، «ارزیابی رویکردهای حاکم بر جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه: از کاربرد غیر نظامی تا ارزش فرهنگی»، دوفصلنامه تمدن حقوقی، شماره ۷، صص ۷۴-۹۰.

لسانی، حسام‌الدین و نقی زاده، یلدا (۱۳۹۸)، «بررسی قواعد حاکم بر تخریب میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی با تأکید بر عملکرد داعش»، فصل‌نامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، صص ۹۸۱-۱۰۰۲

موسوی، فضل‌اله، حکمت‌آراء، راضیه و محمدی، عقیل (۱۳۹۷)، «نظام همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری در چارچوب قطعنامه‌های ارجاعی شورای امنیت (با نگاهی به وضعیت سودان و لیبی)»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره دوم، صص ۲۴۱-۲۶۹

وکیل، امیرساعد و قشلاقی نیگجه (۱۴۰۰)، «حمایت از میراث فرهنگی جهانی در روبه‌دیوان بین‌المللی کیفری»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۹۴، صص ۱۱۹-۱۳۹

ب. انگلیسی

Blake, Janet (2011), *“Taking a Human Rights Approach to Cultural Heritage Protection”*, Heritage & Society, Vol. 4, pp. 199–238.

Blake, Janet (2016), *“Cultural Heritage in the Human Rights System”*, In: Culture and Human Rights: The Wroclaw Commentaries, Published De Gruyter, pp. 61-71.

Brammertz, Serge. Hughes, Kevin C. Kipp, Alison. Tomljanovich, William B (2016), *“Attacks against Cultural Heritage as a Weapon of War Prosecutions at the ICTY”*, Journal of International Criminal Justice, Vol. 14, pp. 1143–1174.

Boer, Ben (2020), *“The Environment and Cultural Heritage”*, In: Francesco Francioni, Ana Filipa Vrdoljak (Eds.), The Oxford Handbook of International Cultural Heritage Law, Oxford University Press, pp. 318- 346.

Clark, Janine Natalya (2018), *“The Destruction of Cultural Heritage in Armed Conflict: The ‘Human Element’ and the*

- Jurisprudence of the icty*”, international criminal law review, Vol. 18, pp. 36-66.
- Casaly, Paige (2016), “*Al Mahdi before the ICC: Cultural Property and World Heritage in International Criminal Law*”, Journal of International Criminal Justice, Vol. 14(5), pp. 1199–1220.
- Doppelhofer, Christoph (2016), “ *Will Palmyra rise again? - War Crimes against Cultural Heritage and Post-war Reconstruction*”, Available form: <https://www.researchgate.net/publication/340779447>
- Esterling, Shea Elizabeth and Hopkins ,Michael John (2018), “*The Creation and Protection of History through the Prism of International Criminal Justice in Al Mahdi*”, journal of international humanitarian legal studies, Vol. 9, pp. 1-60.
- Foradori, Paolo and Rosa, Paolo (2017), “*Expanding the peacekeeping agenda. The protection of cultural heritage in war-torn societies*”, Global Change, Peace & Security, Vol. 29:2, pp. 145-160.
10. Fincham, Derek(2011), “ *The Distinctiveness of Property and Heritage*”, Penn State Law Review, Vol. 115, pp.641-684.
- Fishman, Joseph P (2010), “*Locating the International Interest in Intranational Cultural Property Disputes*”, The yale journal of international law, Vol. 35, pp. 347-404.
- Frey, Bruno S. and Steiner, Lasse (2010), “ *World Heritage List: Does it make sense?*”, Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, No. 484, pp. 1-19.
- Green martinez and Sebastian A(2015), “*Destruction of Cultural Heritage in Northern Mali A Crime Against Humanity?*”, Journal of International Criminal Justice, Vol. 13, pp.1073-1097.

- Hossettler, Peter (2019), ***“The Protection of Cultural Property in Armed Conflict and Peace Operations—Achievements and Challenges Ahead”***, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2542599> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2542599>
- Jakubowski, Andrzej (2019), ***“International protection of cultural heritage in armed conflict: revisiting the role of safe havens”***, Indonesian Journal of International Law , Vol. 16: No. 2, pp. 169 – 190.
- Jokilehto, Jukka (2012), ***“Human rights and cultural heritage. Observations on the recognition of human rights in the international doctrine”***, International Journal of Heritage Studies, Vol. 18, pp. 226-230.
- Kuźelewska, E and Tomaszuk, M (2020), ***“European Human Rights Dimension of the Online Access to Cultural Heritage in Times of the COVID-19 Outbreak”***, International Journal for the Semiotics of Law - Revue internationale de Sémiotique juridique, Publisher: Springer Netherlands, pp. 1067-1079
- Mackenzie, S. and Yates, D (2016), ***“Trafficking Cultural Objects and Human Rights”***, in L. Weber, E. Fishwick and M. Marmo (eds), The Routledge Handbook of Criminology and Human Rights, (London: Routledge), pp. 220-229
- Russo, Alessandra and Giusfi, Serena (2017), ***“Monuments Under Attack: From Protection to Securitisation”***, Working Paper, EUI RSCAS, 2017/32, Global Governance Programme-269, European, Transnational and Global Governance, Available form: <http://hdl.handle.net/1814/47164>
- Titi, Catharine (2017), ***“International Dispute Settlement in Cultural Heritage Law and in the Protection of Foreign Investment:”***

From Collision to Cross-Fertilisation? ”, Journal of International Dispute Settlement, Vol. 8 (3), pp. 535–556

Varner, Elizabeth (2014), “*Protecting Cultural Heritage During Disasters: Prevention, Mitigation, and Response*”, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2469332>

Vrdoljak, Ana Filipa (2015), “*Challenges for International Cultural Heritage Law*”, in W. Logan, M. Nic Craith and U. Krockel (eds), Blackwell Companion to the New Heritage Studies (New York: J Wiley and Sons, 2015), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2518026>

Vrdoljak, Ana Filipa (2013), “*Human rights and cultural heritage in international law*”, (Forthcoming) International Law for Common Goods: Normative Perspectives on Human Rights, Culture and Nature. Ed. F. Lenzerini and A. F. Vrdoljak. Oxford: Hart Publishing, in press, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2200186>

Vlasic, Mark V and Turku, Helga (2016), “*Blood Antiquities: Protecting Cultural Heritage beyond Criminalization*”, Journal of International Criminal Justice, Vol. 14, Issue 5, pp. 1175–1197.

Wierczyńska, K and Jakubowski A (2017). “*Individual Responsibility for Deliberate Destruction of Cultural Heritage: Contextualizing the ICC Judgment in the Al-Mahdi Case*”, Chinese Journal of International Law, vol. 16, Issue 4, pp. 695–721.

Documents:

UN Doc A/RES/53/165, Human rights in Afghanistan, 9 Dec 1998.

UN Doc A/RES/54/185, Question of human rights in Afghanistan, 17 Dec 1999.

UN Doc A/RES/55/119, Question of human rights in Afghanistan, 4

Dec 2000.

UN Doc A/RES/53/203A, Assistance to Afghanistan, 18 Dec 1998.

UN Doc A/RES/55/174, Afghanistan, 19 Dec 2000.

UN Doc A/RES/55/243, The destruction of relics and monuments in Afghanistan, 9 Mar 2001.

UN Doc A/RES/69/281, Saving the cultural heritage of Iraq, 28 May 2015.

UN Doc. S/RES/2199, Adopted by the Security Council at Its 7379th meeting, 12 February 2015 (International Peace and Security, Iraq, Syria, Terrorism).

UN Doc. S/RES/1267, Adopted by the Security Council at its 4051st meeting on 15 October 1999 (Afghanistan).

UN Doc. S/RES/2347, Adopted by the Security Council at its 7907th meeting, on 24 March 2017(International Peace and Security, Terrorism).

UN Doc. S/RES/1483, Adopted by the Security Council at its 4761st meeting, on 22 May 2003(Iraq, Kuwait).

UN Doc. S/RES/1546, Adopted by the Security Council at its 4987th meeting, on 8 June 2004 (Iraq, Kuwait).

UN Doc. S/RES/2139, Adopted by the Security Council at its 7116th meeting, on 22 February 2014 (Middle East, Syria).

UN Doc. S/RES/2056 Adopted by the Security Council at its 6798th meeting, on 5 July 2012(Africa, Mal).

UN Doc. S/RES/2071 Adopted by the Security Council at its 6846th meeting, on 12 October 2012 (Mal).

UN Doc. S/RES/2085 Adopted by the Security Council at its 6898th meeting, on 20 December 2012 (Mal).

UN Doc. S/RES/2100 Adopted by the Security Council at its 6952nd

meeting, on 25 April 2013 (Mali, Terrorism).

UN Doc. S/RES/2164 Adopted by the Security Council at its 7210th meeting, on 25 June 2014 .

UN Doc. S/RES/2227 Adopted by the Security Council at its 7474th meeting, on 29 June 2015 (Mali).

Cases:

ICC, The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Trial Chamber VIII, ICC-01/12-01/15, 27, September 2016

ICC, the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Reparations Order), Trial Chamber VIII, ICC-01/12-01/15-236, 17 August 2017

ICTY, Prosecutor v, Kordić & Čerkez, Trial Chamber Judgment, Case No. IT-95-14/2-T, 26 February 2001.

ICTY, Prosecutor v, Krajišnik, Trial Chamber Judgment, Case No. IT-00-39-T, 27 September 2006.

ICTY, Prosecutor v, Martinović, Trial Chamber Judgment, Case No. IT-05-87-T, 26 February 2009.

ICTY, Prosecutor v, Jokić, Trial Chamber i Judgment, Case No. IT-01-42/1-S, 18 March 2004.